

مطالعه تطبیقی برخی وجوه زیبایی‌شناسی سوره مریم از دیدگاه زمخشری و سید قطب

فروغ پارسا*

عاطفه کرمی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵

چکیده

زیبایی به‌مثابه امر خوشایند و سازگار با سرشت و طبع بشر همواره مورد توجه فیلسوفان و اندیشمندان بوده اگرچه پیدایی دانش زیبایی‌شناسی مربوط به سده ۱۸ میلادی است، قرآن پژوهان متقدم در خلال بحث درباره اعجاز بیانی قرآن کریم از منظر دانش بلاغت درباره زیبایی قرآن سخن گفته‌اند که مهم‌ترین ایشان جارالله زمخشری (د ۵۳۸ ق) است که در تفسیر خود بیش از همه به بلاغت قرآن توجه کرده است. سید قطب اما به‌مثابه مفسر قرآن کریم در دوران معاصر با تأثیر از مطالعات ادبی نوین با استفاده از نظریه تصویرپردازی هنری وجوه زیبایی‌شناسی قرآن را مطرح نموده است، هدف از انجام این پژوهش، بررسی روشمند وجوه زیبایی‌شناسی قرآن از دیدگاه دو مفسر قرآن در فاصله زمانی نسبتاً دور از یکدیگر بوده و سوره مریم با توجه به ویژگی‌های ساختاری و مضمونی خاص به‌عنوان میدان و نمونه پژوهش انتخاب گردیده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که زمخشری مؤلفه‌های بلاغی چون تقدیم و تأخیر، تقابل، فصل و وصل، گزینش واژگان متناسب با معنا از جهت دلالت، مفرد یا جمع بودن، تعریف و تنکیر را در سوره مریم بیان کرده است. در مقابل، سید قطب با توجه به نقش عناصر گفت‌وگو، حرکت، سایه‌های واژه و موسیقی در تصویرپردازی صحنه‌های سوره مریم، تأثیر خیال‌پردازی و مجسم‌سازی واژگان در روان مخاطب را نشان داده است. مقایسه دیدگاه این دو مفسر در تبیین وجوه زیبایی‌شناختی سوره مریم نشان می‌دهد، علیرغم تمایز رویکرد ایشان، برخی شباهت‌ها نیز در این میان قابل تشخیص است.

کلیدواژه‌ها: زیبایی‌شناسی، سوره مریم، زمخشری، سید قطب، بلاغت، تصویرپردازی.

* دانشیار علوم قرآن و حدیث، پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسؤول). F.parsa@ihcs.ac.ir

** دانشجوی ارشد علوم قرآن و حدیث، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. A_karami91@yahoo.com

مقدمه

زیبایی و جاذبه شگفت‌انگیز و مسحورکننده متن و موسیقای قرآن کریم از همان آغاز نزول توجه همگان را به خود جلب نمود چنان که افراد بسیاری بلافاصله پس از شنیدن آیات الهی ناخودآگاه مجذوب این کتاب مقدس می‌گردیدند و برخی نیز بدان ایمان می‌آوردند چنان‌که قرآن کریم و نیز گزارش‌های تاریخی موارد متعددی از این امور را ثبت و ضبط کرده است. نخستین بحث‌های مربوط به تبیین زیبایی‌های قرآن کریم از سده‌های دوم و سوم هجری از سوی ادیبان و دانشمندان علم بلاغت مطرح گردید و به پیدایی ایده اعجاز ادبی قرآن منجر شد. در آن زمان بیش از همه این سؤال مطرح بود که زیبایی اعجازگونه قرآن مربوط به مضمون و معنا و یا مربوط به واژه‌های قرآن است. قرآن‌پژوهان معاصر (سده چهاردهم هجری به این سو) البته متناسب با مطالعات ادبی نوین و فلسفه هنر ملاحظات دیگری در بحث زیبایی‌شناسی قرآن مطرح کرده‌اند زمخشری (د ۵۳۸ ق)؛ صاحب *تفسیر الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل* در شمار یک متخصص علم بلاغت و سید قطب (د ۱۳۸۷ ق/۱۹۶۶ م) صاحب *تفسیر فی ظلال القرآن* به‌مثابه ادیب و هنرمند معاصر در شمار قرآن‌پژوهانی هستند که نظریه ویژه‌ای درباره زیبایی‌شناسی سوره‌های قرآن بیان کرده‌اند. این جستار درصدد است به‌دلیل ویژگی‌های مضمونی و ساختاری سوره مریم، برخی وجوه زیبایی‌شناسی آن را از نگاه این دو مفسر به‌گونه‌ای تطبیقی مورد مطالعه قرار دهد و جلوه‌هایی

از اعجاز ادبی قرآن کریم را تبیین نماید. سوره مریم پیش از این در مقاله خانم سمیه حسنعلیان و مقاله آقایان دکتر محمد خاقانی اصفهانی، محمدجعفر اصغری به‌لحاظ سبک‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. زیبایی سوره مریم نیز در دو اثر مربوط به خانم سکینه جعفری و آقای علیرضا محمدرضایی بررسی شده ولی نوآوری جستار حاضر بیشتر مربوط به مطالعه تطبیقی و مقایسه دیدگاه‌های زیبایی‌شناختی زمخشری و سیدقطب است که در فاصله تاریخی حدود نه‌صد سال از یکدیگر می‌زیسته‌اند.

زیبایی و زیبایی‌شناسی

تمایل به زیبایی و جذابیت آن برای انسان ظاهراً امری فطری است و با حیات انسان امتداد داشته اگرچه تبیین چیستی و معنای زیبایی امر ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. هر شیئی یا پدیده‌ای که در بیننده احساس خوشایندی را برانگیزد از نظر عرف زیباست اما بلافاصله می‌توان گفت معیار زیبایی نزد همگان یکسان نیست. زیبایی به اعتقاد برخی، امری عینی و واقعی است و برخی آن را ذهنی و انتزاعی می‌دانند چنان‌که برخی زیبایی را به امور محسوس و مادی منحصر می‌دانند و برخی زیبایی را معطوف به امور معنوی و مجرد می‌پندارند (شاله، ۱۳۵۷: ۲۴-۶). تلاش برای تبیین ماهیت زیبایی و زیبایی‌شناسی البته پیشینه دیرینی دارد و به دوران افلاطون (د ۳۴۷ پیش از میلاد) و ارسطو (د ۳۲۲ پیش از میلاد) بازمی‌گردد ولی پیدایی دانش زیبایی‌شناسی مربوط به

سده ۱۸ میلادی است. امروزه، زیبایی‌شناسی^۱ به شاخه‌ای از فلسفه اطلاق می‌شود که به تبیین و کشف سرشت هنر و زیبایی و ذوق می‌پردازد و دست‌اندرکار آفرینش و تحسین زیبایی است. این دانش ازسویی درصدد است که تصویرپردازی، خلاقیت و اجرای یک اثر هنری نزد هنرمند را مطالعه نماید و از سوی دیگر چگونگی استفاده، التذاذ و نقادی مردم از هنر را تبیین نماید. این دانش در پی توضیح این معناست که با دیدن و یا شنیدن یک اثر هنری و امر زیبا، در جان و روان انسان چه اتفاقی رخ می‌دهد و فرآیند دریافت و درک زیبایی چگونه است (Murno, 1986: 80). اصطلاح زیبایی‌شناسی که از واژه یونانی «Aisthiokos» به معنی «ادراک حسی» گرفته شده، اولین بار از سوی «الکساندر گوتلیپ بومگارتن» (د ۱۷۶۲ م) به کار رفته و ظاهراً وی به این دلیل این واژه را به کار برده که تأکید کند زیبایی‌شناسی ابزار و نوع خاصی از شناخت و ادراک است.^۲ زیباشناسی و یا زیبایی‌شناسی در فرهنگ دهخدا به‌عنوان رشته‌ای از روان‌شناسی که هدف آن شناسانیدن جمال و هنر است و درباره مجموعه انفعالات و احساسات درونی و زیبایی و زشتی و هزل و فکاهت و غیره گفتگو کند، تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۴۱: ۴۸۸۶۰).

فیلسوفان مسلمان نیز در امتداد دیدگاه فیلسوفان یونانی درباره مفهوم زیبایی بحث کرده و تعاریفی ارائه کرده‌اند. زیبایی در حکمت اسلامی کمال نهایی و وجود برتر یک موجود است. درواقع بسیاری

از حکمای مسلمان خداوند را اصل زیبایی در همه هستی دانسته و دیگر زیبایی‌های عالم را از خداوند ناشی می‌دانند^۳ ابن‌سینا (د ۳۷۰ ق) خداوند را دارای زیبایی و شکوه مطلق و محض می‌داند و هم او را مبدأ و منشأ زیبایی همه چیزها می‌داند^۴ (ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۳۶۸). از نظر ابن‌سینا زیبایی مطلق منشأ و زاینده هرگونه زیبایی؛ اعتدال و تناسب و نظم است (ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۵۹۱-۵۹۰).

از نظر ملاصدرا نیز زیباترین و کامل‌ترین چیزها خداوند است و هر زیبایی دیگری تجلی و فیض و سایه‌ای از زیبایی او است (شیرازی، ۱۳۶۰: ۳۵). در فلسفه ملاصدرا که تا حدود زیادی مبتنی بر آیات قرآنی است؛ زیبایی با وجود مساومت دارد و از همین روست که زیبایی اصیل و عینی تلقی می‌گردد. همه عالم جمال حضرت حق است و همه زیبایی عالم پرتوی از جمال حق است و عشق به هر زیبایی عشق به حق تلقی می‌شود (حسین نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۴۰). به نظر می‌رسد فیلسوفان مسلمان در تعریف زیبایی تا حدود زیادی از آرای فلاسفه یونانی متأثر

۳. والری گونزالس در کتابی با عنوان *زیبایی و اسلام* نشان داده که در بین حکمای مسلمان، آرای زیبایی‌شناسانه ابن‌هیثم (د ۴۳۰) و ابن رشد (د ۵۹۵) را می‌توان استثناء تلقی کرد. ابن‌هیثم، نخستین و شاید تنها متفکر سده‌های میانه است که مقدم بر متفکران دوران مدرن درصدد مجزا کردن مسأله زیبایی‌شناسی، از گستره الوهی و در نظرگرفتن آن به‌عنوان امری مربوط به بشر و هستی بشری بود. زیبایی از نظر ابن‌هیثم همان است که ملائم چشم و گوش باشد. به‌عبارتی زیبایی را امری تجربی و موضوعی قابل تفحص و تأمل علمی تلقی می‌کند (Valerie Gonzales, Beauty & Islam, 2001: pp. 7-21). (I.B.Tauris & Co Ltd. pp. 7-21).

۴. فالواجب الوجود له الجمال و البهاء المحض و هو مبدأ جمال کل شیء و بهاء کل شیء (ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۳۶۷).

1. Aesthetics
2. Philosophical considerations of some matters pertaining the poem

هستند.^۵ نظم، اعتدال، تقارن، تناسب، حقیقت، خوشایندی نفس تقریباً ویژگی و شاخصه‌های عامی هستند که در توصیف زیبایی از سوی فیلسوفان و دانشمندان مختلف طرح شده است.^۶

زیبایی‌شناسی قرآن کریم

«اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيًّا» (زمر/۲۳) خدا بهترین سخن را نازل کرده کتابی که ابعادش به هم مربوط و به یکدیگر منعطف است. قدرت شگفت‌انگیز قرآن در جذب مخاطب و تأثیرگذاری در قلوب، نثر آهنگین و موسیقایی اعجاز‌آمیز متن، واژه‌ها و عبارات دل‌نشین، اسلوب‌های بیانی زیبا، هماهنگی آوایی و آهنگ حروف و کلمات، معارف اعتقادی و حکمت‌های اخلاقی مستدل و معقول از ویژگی‌هایی هستند که قرآن

کریم را از کتب آسمانی دیگر متمایز کرده است. مکیان و بسیاری از مردم عرب عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم که برای شعر و سخن بلیغ و زیبایی‌های ادبی اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل بودند در مواجهه با آیات قرآن عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و علیرغم خصومت نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم به فصاحت و بلاغت آیات قرآن اعتراف می‌کردند. گزارش‌های تاریخی متعددی درباره اسلام آوردن مشرکان بلافاصله پس از شنیدن آیات الهی وجود دارد که همگی حکایت از جاذبه و زیبایی شگفت‌انگیز قرآن دارد (مه‌دوی راد، ۱۳۹۶: ۱۶۳-۱۵۷). در واقع پس از اعلام تحدی و هم‌آورد طلبی قرآن در آیات مختلف^۷ نسبت به خلق اثری هم‌سنگ و هم‌تراز با قرآن و عدم پاسخ ادیبان و سخنوران عرب، ایده اعجاز قرآن شکل گرفت و به تدریج تا حوالی سده چهارم و در خلال تألیف آثار مختلفی تثبیت گردید.^۸

در شمار جنبه‌های مختلفی که از سوی اندیشمندان مسلمان برای اعجاز قرآن مطرح شد^۹ به نظر می‌رسد اعجاز بیانی قرآن تنها موردی است که قرآن‌پژوهان درباره آن اتفاق نظر داشته‌اند (بنت الشاطی،

۵. افلاطون بر این باور بود که زیبایی امری واقعی و عینی است اما هرچیز به نسبت سهمی که از زیبایی مطلق دارد زیبا جلوه می‌کند، در واقع زیبایی‌های حسی این دنیا همچون مثال، سایه و تصویری از زیبایی‌های عالم بالا هستند. از نگاه ارسطو زیبایی دارای سه ویژگی نظم، تقارن و تعین است و هدف هنر، پالایش و تطهیر روح انسان است (احمدی، ۱۳۷۴: ۶۹-۵۴). از نظر افلاطون؛ عالم محسوس، بی‌ثبات و متغیر و سایه‌ای از عالم معقول است در حالی که؛ عالم معقول که کلی و واقعی و فناپذیر است دارای هستی اصیل و اساسی هست (دانشور، ۱۳۸۹: ۴۷-۴۶).

۶. باومگارتن زیبایی را توازن بین نظام اجزا و نسبت متقابل آنها و نسبت آنها به تمام زیبایی می‌داند، هدف زیبایی در نظر او ترضیه، تحریک رغبت و اشتیاق است. شافتس بریمی گوید: آنچه زیباست، موزون و متناسب است و چنین چیزی حقیقی و دلپذیر و خوب است (رجایی، ۱۳۷۸). فیلسوف بزرگ آلمانی امانوئل کانت زیبایی را از لحاظ ۴ جنبه کیفیت، کمیت، نسبت و جهت بررسی کرده است (احمدی، ۱۳۷۴: ۸۴؛ شاله، ۱۳۵۷: ۱۳۱). از دیدگاه هگل تجسم ایده هنرمند در صورت محسوس زیبایی است (بیردزلی، هاسپرس، ۱۳۷۶: ۴۷).

۷. یونس/۳۸، هود/۱۳، اسراء/۸۸، طور/۳۴، بقره/۲۳.

۸. نخستین کتاب در موضوع اعجاز قرآن مربوط به جاحظ است که به دست ما نرسیده و در خلال آثار دیگر بدان تصریح شده است. *اعجاز القرآن* اثر محمد بن یزید واسطی (د ۳۰۶ ق)، *النکت فی اعجاز القرآن* اثر علی بن عیسی رمانی (د ۳۸۴)، *بیان اعجاز القرآن*، ابوسلیمان حمد بن محمد خطابی (د ۳۸۸)، *اعجاز القرآن* اثر ابوبکر باقلانی (د ۴۰۳) و *دلایل الاعجاز* اثر عبدالقاهر جرجانی (د ۴۱۷) از مهم‌ترین کتاب‌های متقدم در اعجاز هستند.

۹. اعجاز بیانی، معارف والا، آهنگ موزون، اعجاز تشریحی، اخبار غیبی، اعجاز به صرفه، برهان استوار و اعجاز علمی در شمار وجوه اعجاز بوده است.

همنشینی با دیگر اجزای جمله اهمیت پیدا می‌کنند (جرجانی، ۱۴۱۳: ۹۴-۹۰). درواقع جرجانی اعجاز قرآن را، فراتر از زیبایی لفظ و جمال معنی و در ارتباط با ویژگی‌هایی می‌داند که در نظم و اسلوب قرآن وجود دارد (ضیف، ۱۳۹۶: ۲۱۷). همان‌طور که مشرف گفته؛ مبانی نظریه نظم جرجانی را می‌توان توجه به بافت و تألیف اجزای کلام و دقت در ساختارهای نحوی جمله دانست (مشرف، ۱۳۸۶: ۴۱۲). نظریه نظم جرجانی بسیاری از مفسران و قرآن‌پژوهان را تحت تأثیر قرار داده و به نظر می‌رسد تا قبل از دوران معاصر که عنوان زیبایی‌شناسی و جمالیات در مطالعات قرآنی رایج شود برای اشاره به وجوه زیبایی قرآن از اصطلاح نظم القرآن استفاده می‌شده است.

زمخشری و زیبایی‌شناسی قرآن

ابوالقاسم محمود بن عمر معروف به جار الله (۴۶۷-۵۳۸ ق) در شمار مهم‌ترین طرفداران نظریه نظم در رابطه با زیبایی‌شناسی قرآن است. اعجاز قرآن از

درواقع فصاحت^{۱۰} وازگان و بلاغت^{۱۱} معانی در کنار نظم و چینش کلمات و جملات و اسلوب بدیع بیانی قرآن کریم، مبانی و مؤلفه‌های اعجاز بیانی قرآن هستند (همان: ۱۶۹) و تبیین وجوه زیبایی‌شناختی قرآن از آغاز در قالب بحث‌های ادبی و بلاغی شکل‌گرفته است. بررسی دیدگاه دانشمندان در بحث اعجاز بیانی قرآن نشان می‌دهد؛ نظریه «نظم» عبدالقاهر جرجانی (د ۴۷۱ ق) اهمیت ویژه‌ای داشته است. درواقع جرجانی، دیدگاه‌های سنتی مربوط به اهمیت لفظ و معنا را کنار گذاشت و اعجاز قرآن را برآمده از نظم سخن دانست (جرجانی، بی‌تا: ۲۰۱). ظاهراً نخستین کسی که درباره نظم قرآن سخن گفته جاحظ (د ۲۵۵) بوده است (حمدان، ۱۳۹۳: ۷). جاحظ، کتابی با عنوان *الاحتجاج لنظم القرآن و غریب تألیفه و بدیع ترکیبه* داشته که اکنون در دسترس نیست ولی در آثار دیگرش از اعجاز بیانی قرآن سخن گفته و نظم قرآن را بزرگ‌ترین حجت و برهان آن دانسته است (جاحظ، ۱۴۲۳: ۳۸۳/۱). جرجانی، مراعات معانی نحو و احکام نحوی موجود میان کلمات را نظم سخن می‌داند (جرجانی، بی‌تا: ۲۰۱)؛ البته مقصود جرجانی از نحو نیز مواضع کلمات در سیاق کلام و سازمان دادن اسلوب سخن است نه فن اعراب که جدای از معنا جریان می‌یابد (بنت الشاطی، ۱۳۹۱: ۱۲۳). به اعتقاد جرجانی واژه‌ها به‌خودی‌خود در فصاحت و بلاغت کلام تأثیری ندارند بلکه در پیوند با معانی و در سیاق سخن و

۱۰. فصاحت به‌معنای روشنی و روانی و خلوص (جوهری،

۱۳۷۶: ۳۹۱/۱، مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۰۱/۹).

۱۱. بلاغت به معنای رسایی و تأثیرگذاری (فراهیدی، ۱۴۰۹:

۴۲۱/۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۰۱/۱؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۳۹۱/۱؛

ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴۲۰/۸).

۱۲. زمخشری ادیب، محدث، مفسر، زبان‌شناس و دانشمند معتزلی (ابن‌خلکان، ۱۹۹۴: ۱۷۳/۵؛ حموی، ۱۴۱۴: ۲۶۸۸/۶؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷: ۲۱۹/۱۲؛ سمعانی، ۱۳۸۲: ۳۱۵/۶). در یکی از روستاهای خوارزم، دیده به جهان گشود، او برای علم‌آموزی سفرهایی به بخارا، بغداد، خوارزم و مکه داشت، وی دو بار در طول عمر خود به مکه رفت و در طی دومین اقامت خود در این دیار، تفسیری که در حال حاضر با عنوان کامل از او می‌شناسیم را بر شاگردان خود املاء نمود، زمخشری اساتید زیادی در علوم مختلف داشت، یکی از مهم‌ترین آنها محمود بن جریر ضبی اصفهانی (م ۵۰۷ ق) بود که علم نحو را از او آموخت، زمخشری دانشمندی بود که تألیفات زیادی در زمینه تفسیر، حدیث، نحو، فقه، لغت، امثال، اصول، شعر و عروض دارد (الصاوی الجوینی، بی‌تا: ۴۱-۲۳؛ حموی، ۱۴۱۴: ۲۶۸۷/۶؛ یافعی، ۱۴۱۷: ۲۰۶/۳).

نگاه زمخشری معطوف به فصاحت و بلاغت این کتاب است که ادیبان عرب در هم‌آوردی بدان عاجز ماندند و زمخشری به جد تلاش کرده این جنبه از اعجاز را با توجه به علم معانی و بیان تبیین نماید (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱-۲/۱). بررسی تفسیر کشف نشان می‌دهد زمخشری غالباً نظم را در ترکیب و همنشین با زیبایی و نیکویی به صورت «حسن النظم» و یا «علم محاسن النظم» به‌کاربرده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۹۸/۱؛ ۳۴۸/۲؛ ۳۹۵/۳؛ ۳۸۳/۲). در واقع زمخشری، زیبایی قرآن را در نظم آن دیده است و با استفاده از علم بلاغت به تبیین این زیبایی پرداخته است. باید دانست بلاغت به معنای شیوایی و رسایی سخن در شمار علوم ادبی زبان عربی است و در سه شاخه بیان، معانی و بدیع بحث می‌کند (مهدوی دامغانی، ۱۳۷۸: ۷۱۷).

زمخشری در تفسیر خود با ارائه شواهدی نشان داده است واژگان، عبارات، جمله‌ها و نیز سوره‌های قرآن براساس نظم خاصی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و همین نظم در چینش واژه‌ها و عبارات بر روی هم باعث برتری متن قرآن بر سایر کلام عرب بوده، به‌گونه‌ای که تغییر این نظم اساساً معانی را نیز تغییر خواهد داد. نظم واژگان قرآنی از نظر زمخشری در گزینش واژه از لحاظ مفرد یا جمع بودن، تعریف یا تنکیر و مطابقت با معنا و ساختار جمله، بازتاب یافته است. مباحث مربوط به تقدیم و تأخیر، فصل و وصل، ایجاز و اطناب، ذکر و حذف، اسمیه یا فعلیه بودن جمله، خبریه یا انشائیه بودن جمله و توجه به ترکیب نحوی واژه‌ها در تناسب با معنا نیز در شمار مقولات بلاغی هستند که نظم جملات و عبارات قرآن را شکل داده‌اند. بیش از آن؛ گونه‌های مختلف کاربرد استفهام،

امر، نهی و قسم و نیز انواع صور بیان از قبیل تشبیه و استعاره و مجاز در کنار نظم و هماهنگی آوایی بر روی هم نظم و انسجام و یکپارچگی آیات و سوره‌های قرآن را به وجود آورده‌اند. زمخشری در مواردی نیز به کارکرد تخیل و تصویر در فهم زیبایی‌ها و بلاغت آیات توجه کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۰۹/۴؛ ۳۳۵/۴؛ ۱۷۶/۲، ۳۰۱/۱) که به‌طور خاص درباره سوره مریم بدان اشاره خواهد شد.

سید قطب و زیبایی‌شناسی قرآن

سید قطب^{۱۳} ابراهیم حسین شاذلی (۱۹۰۶-۱۹۶۶ م) در شمار قرآن‌پژوهانی است که در دوران معاصر به گونه خلاقانه و مبتکرانه‌ای به زیبایی‌شناسی قرآن پرداخته است. سید قطب مانند دیگر اندیشمندان مسلمان، خداوند را زیبایی و جمال مطلق می‌داند و زیبایی آفریده‌ها و موجودات را همگی برآمده و برگرفته از زیبایی خداوند می‌پندارد (قطب، ۱۴۲۵: ۲۸۰۸/۵). به اعتقاد سید قطب با رویکردهای کلامی که بر مبنای فلسفه یونانی و لاهوتی شکل گرفته نمی‌توان زیبایی عقاید اسلامی و زیبایی قرآن را درک کرد (همان: ۵۳/۱).

۱۳. سید قطب در یکی از روستاهای استان اسیوط مصر، به دنیا آمد، بعد از گذراندن آموزش‌های ابتدایی در سال ۱۹۲۹ م. به قاهره رفت و به تحصیل در رشته ادبیات عرب در دانشکده دارالعلوم پرداخت، در طی دوران تحصیل مقالاتی در زمینه ادبیات و نقد ادبی نگاشت و با عباس محمد عقاد و افکار او آشنا شد، در سال ۱۹۳۹ م. دو مقاله در زمینه تصویرپردازی هنری در قرآن چاپ کرد و شش سال پس از آن، در کتابی با عنوان *التصویر الفنی فی القرآن* نظریه تصویرپردازی هنری در قرآن را شرح داد، او مسیر فعالیت‌های مصلحانه خود، در سال ۱۹۵۱ م. به عضویت اخوان المسلمین درآمد (الخالدی، ۲۰۱۶: ۷۳-۱۴۴).

بلاغی قدما را مناسب تبیین زیبایی قرآن نمی‌دانست (الخولی، ۱۹۶۱: ۳۱۶-۳۱۵). از سوی دیگر باید در نظر داشت که از اواسط سده ۱۸ میلادی بدین سوی برخی نظریه‌پردازان ادبی نظیر یوهان گوتفرد هردر (۱۸۰۳-۱۷۴۴ م) و نیز اوگوست ویلهلم شلگل (۱۸۴۵-۱۷۶۷ م) به پردازش هنری و صور خیال در تبیین امر متعالی اهمیت می‌داده‌اند (فورست، ۱۳۷۵: ۸۱) و بعید نیست که امین خولی و دیگر ادیبان عرب از ایشان تأثیر پذیرفته باشند. به هر روی سید قطب به‌مثابه شخصیتی ادیب که تجربه‌های مختلفی در حوزه داستان‌نویسی و نقد ادبی داشت^{۱۴} برای تبیین زیبایی ادبی قرآن نظریه تصویرپردازی هنری در قرآن را مطرح نمود. این نظریه سید قطب بر دو اصل یعنی تخیل حسی و تجسیم استوار است. منظور سید قطب از تخیل حسی همان قوه خیال‌پردازی انسان است که حوادث محسوس، رویدادها، مناظر طبیعی و حتی امور غیرمحسوس و حالات روحی انسان را طوری مجسم و حاضر می‌سازد که گویی در آن حیات و حرکت و گفتگو وجود دارد (قطب، ۲۰۰۲: ۷۱). تجسیم نیز به معنای محسوس و ملموس نمودن امور مجرد و پوشانیدن لباس مادی بر اندام آنهاست (محمدقاسمی، ۱۳۹۰: ۱۱). هماهنگی هنری معادل فارسی واژه «التناسق الفنی» از دیگر عناصر زیبایی‌شناسی قرآن از نگاه سید قطب است. از دیدگاه او بین آوای واژگان،

سید قطب برخلاف پیشینیان و احتمالاً متأثر از دانش زیبایی‌شناسی نوین، برای تبیین اعجاز ادبی قرآن دقیقاً از اصطلاح زیبایی هنری (الجمال الفنی) استفاده کرده است (همان: ۸۰/۱؛ ۲۶۵/۱؛ ۵۴۷/۱؛ ۹۸۳/۲؛ ۱۲۹۷/۳ و جاهای دیگر). سید قطب معتقد است پژوهشگران اعجاز و بلاغت به درک عمیقی از زیبایی قرآن نائل نشده‌اند و صرفاً مشغول بحث‌های عقیمی درباره اهمیت لفظ یا معنا در بلاغت بوده‌اند. حال آنکه زیبایی‌های قرآن بیش از همه مربوط به زیبایی‌های هنری نهفته در تصاویر موجود در آیات قرآنی است (قطب، ۲۰۰۲: ۲۹). سید قطب می‌گوید؛ واژه‌ها و تعابیر گاهی صرفاً ذهن را مخاطب قرار می‌دهند و گاهی برای معنا تصویر یا سایه‌ای را ترسیم می‌کنند که حس و وجدان را مخاطب قرار می‌دهند و با قوه خیال تصاویر معانی را در نفس و روح مخاطب بازتاب می‌دهند. قرآن گونه دوم یعنی روش تخیل و تصویرپردازی را در بیان اختیار کرده است (قطب، ۱۹۸۳: ۲۸). نظریه زیبایی‌شناسانه سید قطب علاوه بر مطالعات ادبی نوین از بحث‌های روان‌شناسی نیز سرچشمه گرفته است. در واقع سید قطب به این معنا توجه کرده که روایت‌های قرآن به‌نوعی التهاب‌های روحی و احساسات انسانی در موقعیت‌های مختلف را به نمایش می‌گذارد و بر این اساس وی تلاش کرده احساسات قهرمانان و شخصیت‌های قرآنی را در قالب تصاویر و تابلوهای قرآنی بیان نماید (حمادی، ۲۰۰۷: ۱۰۳-۱۰۱). در واقع باید سید قطب را از ادامه‌دهندگان مکتب ادبی امین‌الخولی (۱۹۶۶-۱۸۹۵ م) در تفسیر دانست که بلاغت و زیبایی هنری قرآن را با روان‌شناسی و اسرار نهفته در روح و روان آدمی مرتبط می‌پنداشت و مباحث

۱۴. آثار سید قطب در حوزه ادبیات و نقد ادبی عبارت از: الشاطیء المجهول (نقد کتاب مستقبل الثقافة فی مصر طه حسین)، الأطفاف الأربعة، طفل من القرية (داستان زندگی او در روستا)، کتاب داستان المدینة المسحورة، رمان أنشواک، النقد الأدبی أصوله و مناهجه، القصص الدینی (مجموعه داستان برای کودکان) هستند.

برخی وجوه زیبایی‌شناسی سوره مریم از نگاه زمخسری و سید قطب

سوره مریم دارای وجوه زیبایی‌شناختی متعددی است که زمخسری و سید قطب در موارد ذیل آن را بیان کرده‌اند.

آهنگ و ریتم موسیقایی عبارات، جزئیات و معانی صحنه‌های قرآن هماهنگی هنری وجود دارد (قطب، بی تا: ۴۲-۴۱). اجزای نظریه سیدقطب؛ حرکت، گفتگو، سایه و موسیقی هستند که تفصیل آن در بحث وجوه زیبایی‌شناسانه سوره مریم بیان می‌گردند.

معرفی سوره مریم

سوره مریم، نوزدهمین سوره قرآن مجید در ترتیب مصحف‌های مرسوم^{۱۵} و در شمار سوره‌های مکی قرآن است (طوسی، بی تا: ۱۰۱/۷). این سوره بعد از آیه اول که حروف مقطعه است با داستان حضرت زکریا علیه السلام و دعای او برای فرزنددار شدن آغاز شده است (مریم/۱۵-۲). سپس داستان بارداری حضرت مریم سلام‌الله علیها و چگونگی وضع حمل ایشان بیان شده است (مریم/۴۰-۱۶). آیات بعدی سوره داستان پیامبران و مواجهه مردم با ایشان را نقل کرده است (مریم/۶۰-۴۱). ترسیم بهشت به مثابه پاداش بندگان پرهیزکار، تبیین مستدل رستاخیز و برانگیخته شدن قطعی و حتمی پارسایان و تبهکاران در قیامت و پاداش و عذاب اخروی آنها در آیات بعدی بیان شده‌اند (مریم/۶۱-۹۶). آخرین آیات این سوره مربوط به بشارت خداوند به یاری پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و اله و سلم و اشاره به سرانجام سرنوشت هلاکت بار کافران است (مریم/۹۸-۹۷).

۱. نقش واژگان قرآن در نظم و زیبایی هنری سوره مریم

الف. گزینش واژگان از جهت دلالت متناسب با معنا

یکی از محورهای این‌گونه نظم، گزینش واژگان از جهت دلالت متناسب با معناست که زمخسری در ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي﴾ (مریم/۴) به آن اشاره کرده و می‌گوید: قرآن برای تبیین نهایت ضعف و کهن‌سالی از بین همه اجزای بدن انسان، به سست شدن استخوان اشاره کرده زیرا استخوان به‌مثابه ستون بدن است و سستی و ضعف آن نمایش ضعف دیگر اجزای بدن نیز هست (زمخسری، ۱۴۰۷: ۴/۳). سید قطب نیز در مورد این بخش از آیه ۴ سوره مریم همان نظر زمخسری را دارد (قطب، ۱۴۲۵: ۲۳۰۲/۴). نمونه دیگر زمخسری، مربوط به بخشی از آیه ۶۸ سوره است که خداوند برای بزرگداشت مقام و منزلت پیامبر صلی‌الله علیه و اله و سلم به‌جای استفاده از واژه و یا ضمیر منفصل از ضمیر متصل «ک» در قسم «فَوَرَبِّكَ» استفاده کرده است (زمخسری، ۱۴۰۷: ۳۳/۳).

ب. گزینش واژه از جهت مفرد یا جمع بودن

به اعتقاد زمخسری گزینش «العظم» به‌صورت مفرد به‌جای صیغه جمع «العظام» به دلیل آن است که جنس استخوان موردنظر بوده و زکریا علیه‌السلام با کاربرد واژه «العظم» سستی و پیری، تمامی استخوان‌هایش را

۱۵. سوره مریم چهل و چهارمین سوره در ترتیب مصحف‌اللازهر است، این سوره در دو روایت از حضرت علی علیه‌السلام سوره چهل و دوم یا سی و چهارم در ترتیب نزول است، هم‌چنین ابن عباس این سوره را چهل و یکمین، چهل و دومین یا چهل و سومین سوره از قرآن دانسته است (رامیار، ۱۳۸۴: ۶۷۲).

تبيين کرده درحالی‌که واژه «عظام» در عین جمع بودن این سطح از کلیت را نمایش نمی‌داد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۳).

ج. گزینش واژه از جهت تعریف و تنکیر

به اعتقاد زمخشری تعریف «جذع النخله» به معنای تنه خشک درخت خرما در آیه ۲۳ سوره مریم دو احتمال دارد نخست آنکه؛ این تعریف از باب تعریف نام‌های غالب و مشهور بوده و این تنه درخت خرما نزد مردم شناخته شده بوده است و نیز ممکن است تعریف جنس و به معنای تنه درخت خرما باشد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۱/۳).

۲. تصویرپردازی واژه‌ها در سوره مریم

تصویرپردازی واژه همچنان که پیشتر بیان شد نظریه‌ای است که سید قطب در زیبایی‌شناسی سوره‌های قرآن از جمله در سوره مریم مطرح کرده است. به اعتقاد سید قطب مجموع تصاویر این واژه‌ها بر روی هم چند صحنه را به نمایش گذاشته که با عناصر مختلفی هدف سوره را تبیین می‌نمایند و مخاطب را کاملاً تحت تأثیر قرار می‌دهند.

عنصر گفت‌وگو

این عنصر، یکی از عناصر نظریه زیبایی‌شناختی سید قطب است و اگرچه در آثار خود فصل مجزایی را به آن اختصاص نداده اما اهمیت آن در تصاویر قرآنی را با ذکر مثال تبیین کرده است. در واقع گفت‌وگو عنصری بارز در آثار ادبی است که روایت داستان‌ها را تکمیل می‌کند و باعث ایجاد حرکت و حیات

در صحنه‌های داستان می‌شود. وجود عنصر گفتگو در داستان‌های قرآنی مخاطب را قادر می‌سازد به حالات روحی و شخصیت گفتگو گران دست پیدا کنند و از این طریق تصویر شخصیت مذکور کاملاً در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد (حمادی، ۲۰۰۷: ۶۱-۶۰). گفتگوهای قرآن از لحاظ گونه‌شناسی به گفت‌وگوی پیامبر با امت خود، پیامبران با خدا، بین افراد عادی، گفت‌وگوی شخص با خودش و نمونه‌های دیگر قابل تقسیم است (میر، ۱۳۸۷: ۱۷۱-۱۶۴). به اعتقاد سید قطب در پرده اول نخستین صحنه نمایش سوره مریم، عنصر گفتگو کارکرد مهمی در تصویرپردازی هنری سوره دارد. در واقع پرده اول (آیات ۱-۱۰)؛ نمایش دعای زکریا علیه السلام است که دور از چشم و گوش مردم و پنهانی پروردگار خود را خالصانه صدا می‌زند و از پیری و ناتوانی جسمانی به پروردگار خود شکایت می‌کند و با عنایت به نازایی همسرش از خداوند مهربان درخواست می‌کند فرزندی به او عطا نماید و خداوند دعای او را اجابت می‌نماید (قطب، ۱۴۲۵: ۲۳۰۲/۴). قابل ذکر است که در این سوره، چندین صحنه گفتگو از جمله گفتگوی مریم با فرشته (۲۱-۱۸) و گفتگوی ابراهیم با پدرش (۴۸-۴۲) نیز آمده است.

عنصر حرکت

حرکت از دیگر عناصر نظریه زیبایی‌شناسی سید قطب است و به اعتقاد او در اغلب تصاویر قرآنی حرکت پنهان یا آشکاری وجود دارد که سبب به خیال انداختن و تأثیرگذاری بر مخاطب می‌گردد (قطب، ۲۰۰۲: ۷۲). در واقع یکی از ابزارهای مهم تصویرپردازی در صحنه‌های قرآنی عنصر حرکت است و فقط تعداد

همگی در کنار هم به تصویر کشیده شده‌اند که البته سید قطب بدان‌ها اشاره نکرده است.

عنصر سایه

«ظل» در لغت به معنای سایه نقطه مقابل روشنی است و سایه روز به معنای رنگ آن هنگام غلبه خورشید است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۴۱۵). سید قطب می‌گوید: «برخی الفاظ تصویر را از طریق سایه‌ای که به خیال می‌افکنند، ترسیم می‌کنند. الفاظ نیز مانند عبارات سایه خاصی دارند که حس بصیر وقتی به آنها توجه می‌کند و هنگامی که تصویر مدلول حسی آنها را می‌جوید، آن سایه را ملاحظه می‌کند» (سید قطب، ۱۳۸۹: ۱۴۲). در واقع از نظر سید قطب، دلالت الفاظ و عبارات در قرآن فقط دلالت معنایی نیست، بلکه الفاظ و عبارات از طریق موسیقی و سایه خود در انتقال مفهوم و ترسیم تصویر هنری نقش ایفا می‌کنند. برخی عبارات تنها با سایه یا موسیقی و برخی دیگر از طریق هر دو مورد صحنه‌ای را در خیال مخاطب تصویر می‌کنند (حمادی، ۲۰۰۷: ۷۱-۷۰). سید قطب معتقد است سایه غالب و حاکم در فضای سوره و داستان حضرت زکریا علیه‌السلام و حضرت مریم سلام‌الله‌علیها، سایه رحمت و رضایت و پیوند است. چنان‌که عبارت «ذَكَرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ» در آغاز سوره بیان شده و واژه رحمت و معنای آن در سوره تکرار شده و سایه آن در عبارات بسیار است. همچنین نام رحمان بسیار تکرار شده و در آهنگ واژه‌های سوره، لطف و نرمی کاملاً محسوس است (قطب، ۱۴۲۵: ۴/۲۳۰۰). در عبارت «فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ» (مریم/۲۳) سختی حضرت مریم سلام‌الله‌علیها در راه رفتن در حالی که باردار است و

اندکی از تصویرهای قرآن ساکن و بی‌حرکت ترسیم شده‌اند (همان). حرکت نقطه مقابل سکون است و برای حرکت‌های مختلف از نظر زمان، مکان و مبدأ حرکت (آسمان- زمین) الفاظ متفاوتی وجود دارد. به همین ترتیب فعل‌هایی که دلالت بر حرکت دارند نیز با توجه به این ویژگی‌ها متفاوت هستند چنان‌که حواس مربوط به ادراک انواع حرکت‌ها نیز متفاوت هستند (محمد داود، ۲۰۰۲: ۴۰-۳۶). به اعتقاد سید قطب در عبارت «اشتعل الرأس شيباً» قرآن برای بیان سپید شدن موی سر از حرکت شعله‌های آتش و سرعت انتشار آن کمک گرفته است (قطب، ۲۰۰۲: ۷۷). در «ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا» (مریم/۶۹)، سید قطب تأکید می‌کند که تشدید روی واژه‌های آیه، شدت حرکت کردن و جدا کردن افراد سرکش از بین مردم و سپس پرتاب آنها به داخل جهنم را بیان کرده‌اند (قطب، ۱۴۲۵: ۴/۲۳۱۸). در صحنه «وَإِنْ مِنْكُمْ إِذْ وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا (۷۱) ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا (۷۲)»، تصویری محسوس از کافران با افعال حرکتی ترسیم شده است. تصویری که نشان می‌دهد منکران قیامت با خواری و ذلت، اطراف جهنم زانو زده‌اند و ترس همه وجود آنها را فراگرفته است (قطب، ۱۴۲۵: ۴/۲۳۱۷). با توجه به نظریه سید قطب موارد دیگری را نیز می‌توان بیان کرد از جمله؛ در آیه ۱۱ سوره مریم «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ»، به دلیل حرکت موجود در فعل «خَرَجَ» عنصر تخیل حسی کاملاً مشاهده می‌شود. همچنین در آیه ۱۵ «سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يَبْعَثُ حَيًّا»؛ سه موقعیت تولد، مرگ و برانگیخته شدن در روز قیامت با حرکت‌های سریع در یک جمله کوتاه،

دنيا و آخرت جابه‌جا می‌شوند. در واقع اگر در صحنه‌ای رفتار و گفتار کافران و مشرکان در دنیا عنوان شده بلافاصله در صحنه بعدی نتیجه آن را در آخرت به نمایش گذاشته است. چنان‌که در آیه ﴿ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًا﴾ (مریم/۷۲) نیز تقابل بین پرهیزگاران و ظالمان و عاقبت آنها مطرح شده است (همان: ۲۳۱۸/۴). بیش از این می‌توان نشان داد که تقابل یکی از عناصر پربسامد در سوره مریم است. «بر» و «عصیان» در آیه ۱۴، ولادت و مرگ در آیه ۱۵، پرهیزگاران و ظالمان در آیه ۷۲، کافران و مؤمنان در آیه ۷۳، صحنه محسور شدن پرهیزگاران نزد خدای مهربان و راندن مجرمان با تشنگی به سوی جهنم در آیات ۸۵ و ۸۶ و نیز بحث انذار و تبشیر در آیه ۹۷ وجود عنصر تقابل را تداعی می‌نماید.

۳. نقش جملات و عبارات در نظم و زیبایی هنری

سوره مریم

زمخشری معتقد است همان‌گونه که چینش و گزینش واژه‌ها در قرآن به دلایل بلاغی صورت گرفته، چینش اجزای جمله‌ها نیز از ساختار متعارف نحوی خارج شده و براساس نظم خاص قرآن است.

تقدیم و تأخیر

زمخشری معتقد است تقدیم و تأخیر در اجزای جمله‌ها و عبارات قرآنی به علتی بلاغی صورت گرفته است. چنان‌که در ﴿قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا﴾ (مریم/۱۸)، جواب شرط مقدم بر شرط بیان شده است. در واقع حضرت مریم سلام‌الله‌علیها بلافاصله بعد از مواجهه با فرستاده الهی و قبل از بیان شرط، جواب

درد زایمان او را گرفته و برای اولین بار این شرایط سخت را تجربه می‌کند و از طرفی هم به خاطر قوم خود مجبور است برای وضع حمل به مکانی دور برود، از طریق سایه و آهنگ واژه‌های «فَأَجَاءَ» و «جِذَعٌ» به ذهن مخاطب متبادر شده است (سیدقطب، ۱۴۲۵: ۲۳۰۷/۴). با توجه به نظریه سید قطب می‌توان ملاحظه کرد که تکرار حرف شین در ابتدا و انتهای عبارت ﴿اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَبَابًا﴾ (مریم/۴) به‌خصوص در آوای واژه «اشْتَعَلَ» از طریق سایه‌ای که در خیال ایجاد می‌کند، شعله‌ور شدن را در ذهن خواننده ترسیم می‌کند. همان‌گونه که پیش‌ازین بیان شد؛ زمخشری نیز در تفسیر برخی آیات بحث تخیل و تصویرسازی را مطرح کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۰۹/۴؛ ۱۷۶/۲؛ ۳۳۵/۴؛ ۳۰۱/۱). اگرچه در هیچ‌یک از آیات سوره مریم به تصویرسازی واژه‌ها اشاره‌ای ننموده است.

تقابل

تقابل مقوله‌ای زیبایی‌شناختی در تصاویر قرآنی است که زمخشری و سید قطب به آن توجه نموده‌اند. زمخشری دو واژه «عَزَّ» در آیه ۸۱ و «ضِدَّ» در آیه ۸۲ را در تقابل می‌داند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۱/۳). وی همچنین از تقابل بین شیاطین و پرهیزگاران در آیه سخن گفته است (همان). سید قطب نیز در آیات ۴۴ و ۴۵ سوره مریم با توجه به مضمون و معنای آیه مهربانی و رحمت ابراهیم بر پدر و انکار و تهدید پدر بر ابراهیم را در تقابل می‌داند (قطب، ۱۴۲۵: ۲۳۱۲/۴). سیدقطب علاوه بر تقابل تصویر واژه‌ها، تقابل در صحنه‌ها را نیز مطرح کرده چنان‌که معتقد است از آیه ۶۶ تا پایان سوره، صحنه‌های قرآنی با هم تقابل دارند و مرتباً بین

شرط یعنی پناه بردن به خدای رحمان را مطرح می‌کند که از ترس و اضطراب وی حکایت دارد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۹/۳). زمخشری درخصوص تقدم خبر بر مبتدا در آیه ﴿قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمَ﴾ (مریم/۴۶) نیز معتقد است علت آن اهمیت رویگردانی و انکار حضرت ابراهیم علیه‌السلام از خدایان برای پدر است (همان: ۲۰/۳). سید قطب به‌عنوان مقولات بلاغی به تقدیم و تأخیر در اجزای جمله توجه نکرده است.

۴. مقوله بلاغی وصل و فصل

به اعتقاد زمخشری در دو آیه متوالی ﴿وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا (۶۶) وَ أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا (۶۷)﴾ و او جمله «لا یذکر» را به جمله «یقول» عطف نموده است در حالی که همزه استفهام در آیه ۶۷ که البته کاربرد انکار دارد بین معطوف علیه و حرف عطف واسطه شده زیبایی فصل و وصل را به وجود آورده است؛ یعنی آیا انسان زندگی بعد از مرگ را انکار می‌کند و پیدایش اولیه خود را به یاد نمی‌آورد که او را از هیچ آفریدیم (همان: ۳۲/۳). سید قطب اما به تبیین چنین مقولاتی نپرداخته است.

۵. نظم و زیبایی آوایی سوره مریم

یکی از ویژگی‌های زیبایی‌شناسی سوره مریم نظم آوایی آن است. زمخشری در تفسیر کشاف به نظم آوایی قرآن در برخی مواضع توجه کرده است (همان: ۵۶۲/۳؛ ۶۳۹/۴)؛ اما درباره زیبایی آوایی سوره مریم سخنی نگفته است. سید قطب معتقد است سوره مریم دارای ریتم موسیقی خاصی است و موسیقی آیات در

این سوره براساس موضوع موردبحث و سیاق آیات دارای تنوع است. درواقع فاصله و قافیه آیات به تناسب مضمون آیات تفاوت پیدا می‌کند در مواضعی که باید موسیقی آیات دارای شدت باشد، فواصل آیات با دال مشدد یا ذال مشدد آمده که از خشم خداوند حکایت دارد. در مقابل، در مواضعی که نیاز به نرمی و مهربانی و رفق است قافیه‌ها به حرف میم یا نون ساکن و یا «یاء» ممدود است (قطب، ۱۴۲۵: ۲۳۰۰/۴). سیدقطب به همین دلیل معتقد است آهنگ و موسیقی آیات ۹۲-۸۸ سوره مریم ﴿وَ قَالُوا: اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا. لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا. تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا، أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا، وَ مَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا﴾ سایه‌ای متناسب با معنای آن یعنی خشم خداوند نسبت به افترا مشرکان و واکنش جهان هستی از جمله آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها، در مقابل این نسبت دروغ را ایجاد کرده است. به‌ویژه موسیقی واژگان به‌کاررفته در آیه ۹۰ حرکت زلزله و لرزش را ترسیم کرده است (قطب، ۱۴۲۵: ۲۳۲۱/۴). درواقع با توجه به نظریه سید قطب درباره موسیقی این آیات می‌توان به این ایده رسید که شدت موجود در حرف دال در واژه «هداً»، از طریق آوا به ترسیم صحنه فروپاشیدن کوه‌ها کمک کرده است. همچنین نرمی آوای «حاء» در آیه ۸۵ ﴿يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفَدًّا﴾ که در دو کلمه «نحشُر» و «الرَّحْمَنِ» به‌کاررفته، القاکننده راحتی و آرامش پرهیزگاران در روز قیامت است. در آیه ۹۶: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ نیز سید قطب بر موسیقی و زیبایی آوایی «وداً» متمرکز شده و نرمی آوایی آن را متناسب با معنای آیه دانسته است. گویی که محبت و

عشق الهی از عوالم برین و متعالی به زمین و ساکنان آن می‌رسد و همه هستی را از فیض خود بهره‌مند می‌سازد (همان).

۶. نظم و انسجام کلی آیات و سوره قرآن

زمخشری به انسجام و پیوستگی کلی آیات و سوره قرآن در سوره مریم توجه کرده است. به اعتقاد زمخشری آیه ۱۰ سوره مریم در پیوند با آیه ۴۱ سوره آل عمران بر روی هم جزئیات مربوط به عدم تکلم حضرت زکریا علیه‌السلام را روشن می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷/۳)؛ اما وی به انسجام درونی سوره مریم اشاره‌ای نکرده است. سید قطب به نظم و انسجام آیات متناسب با هدف کلی سوره مریم توجه کرده و معتقد است؛ آیات سوره مریم مانند غالب سوره‌های مکی بر دو محور اصلی تبیین توحید و نفی شرک و نیز مسأله رستاخیز و حسابرسی اعمال متمرکز شده‌اند و همه مطالب و داستان‌های سوره براساس تبیین این دو هدف طرح شده‌اند (قطب، ۱۴۲۵: ۲۳۰۰/۴)؛ در واقع به همین دلیل است که در بیشتر داستان‌ها از جمله داستان حضرت مریم سلام‌الله‌علیها جزئیات امور بیان نشده و آیات قرآنی صرفاً صحنه‌های خاصی مطابق هدف سوره را نمایش داده‌اند (همان: ۲۳۰۸/۴). سوره مریم بنا بر تفسیر سید قطب با صحنه رحمت و لطف الهی آغاز می‌شود و با صحنه اقتدار و جبروت خداوند پایان می‌پذیرد. در واقع آخرین آیه سوره ﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا﴾ صحنه‌ای است که مخاطب را با لرزشی ویرانگر مواجه نموده سپس در سکوتی عمیق و ترسناک فرو می‌برد. گویی که بر بال خیال در معبر زمان به پرواز درآمدی و

از خلال سده‌های دور همه اشخاص و افراد جهان را می‌بینی که حرکت و حیات دارند و به یک‌باره کاملاً نیست و نابود می‌شوند و دیگر هیچ حس و حرکت و صدایی از هیچ چیز بر نمی‌خیزد. جز سکونی عمیق و سکوتی ترسناک چیز دیگری نیست و هیچ‌کس نیست جز همان یکتای زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد (همان: ۲۳۲۲/۴).

بحث و نتیجه‌گیری

دانشمندان مسلمان غالباً زیبایی و شکوه محض را منحصر در خداوند دانسته و همو را منشأ و منبع دیگر زیبایی‌های هستی قرار می‌دهند.

قرآن کریم به‌مثابه کلام خداوند و تجلی زیبایی خداوند از سده‌های نخستین اسلامی مورد کاوش‌های زیبایی‌شناسانه قرار گرفته است.

دیدگاه‌های زیبایی‌شناسانه زمخشری و سید قطب در سوره مریم در مواردی مشابهت دارند و در مواردی نیز ساکت هستند، از اشتراکات دیدگاه این دو مفسر، عنوان نمودن موارد تقدیم و تأخیر، گزینش واژگان از جهت دلالت متناسب با معنا و تقابل در سوره مریم است، در مجموع، نمی‌توان از تفاسیر آیات سوره مریم، تمایز و مخالفتی در دیدگاه‌های این دو مفسر برداشت کرد.

از نگاه زمخشری زیبایی واژگان و ظرافت‌های معانی آنها در ارتباط با دیگر اجزای کلام و ساختار نحوی متن بر روی هم نظم اعجاز آمیز قرآن را فراهم کرده‌اند. سید قطب نیز معتقد است واژگان و عبارات قرآنی با چنان دقتی در کنار هم قرار گرفته‌اند که قادر هستند مفاهیم و معانی آیات را مانند یک تصویر زنده و

- متحرک در ذهن خواننده به تصویر بکشند.
- زمخشری به ساختار نحوی عبارت‌ها و نوع جمله‌ها و تقدیم و تأخیر عناصر جمله در تناسب با معنا دقت کرده درحالی‌که سید قطب اساساً به طرح مباحث بلاغی از این دست علاقه‌ای نداشته است.
- زمخشری به تقابل، فصل و وصل به‌مثابه نکات بلاغی توجه کرده که سید قطب نیز از آن عناصر در تصویر و ترسیم صحنه‌های آیات استفاده کرده است.
- سید قطب به نقش خیال در ذهن مخاطب قرآن و کارکرد عناصر حرکت، گفتگو، آهنگ و سایه واژه‌ها در زیبایی‌شناسی و تأثیر در روان شنونده آیات سوره مریم اهمیت زیادی داده است. زمخشری نیز در موضعی از تفسیر کشف تأکید کرده که واژگان و عبارت‌های قرآنی از طریق تخیل و تصویر درک و فهم می‌گردند اگرچه درخصوص سوره مریم بحثی مطرح نکرده است.
- هماهنگی موسیقی واژه با فضای تصویر در آیات سوره مریم در نگاه سید قطب خیلی پررنگ مطرح شده درحالی‌که زمخشری بدان توجه نکرده است.
- زمخشری و سید قطب هر دو به نظم و انسجام آیات سوره مریم و هماهنگی سوره‌ها با یکدیگر توجه کرده‌اند.
- منابع
- قرآن کریم.
- احمدی، بابک (۱۳۷۴ش). *حقیقت و زیبایی* - *درس‌های فلسفه هنر*. تهران: نشر مرکز.
- ابن خلکان، أبوالعباس شمس‌الدین أحمد بن محمد بن - *إبراهیم بن أبی بکر (۱۹۹۴م)*. *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*. محقق: عباس، إحسان. بیروت: دار صار.
- ابن سینا، حسین (۱۴۰۴ق). *الشفاء*. مصحح: زاید. سعید. قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
- _____ (۱۳۷۹ق). *النجاة من الغرق فی بحر الضلالت*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. هارون. عبدالسلام محمد. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن کثیر الدمشقی، أبوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۹۸۶م). *البدایة و النهایة*. بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- بیردزلی، مونروسی؛ هاسپرس، جان (۱۳۷۶ش). *تاریخ و مسائل زیباشناسی*. ترجمه: حنایی کاشانی. محمد سعید. تهران: هرمس.
- بنت الشاطی، عایشه (۱۳۹۱ش). *اعجاز بیانی قرآن؛ به ضمیمه شرح مسائل ابن ازرق*. ترجمه: صابری. حسین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الجندی، درویش (۱۹۶۹م). *النظم القرآنی فی کشف الزمخشری*. مصر: دار نهضة للمصر للطبع و النشر.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۴۲۳ق). *البيان و التبيين*. بیروت: دار المکتبة الهلال.
- جرجانی، شیخ عبدالقاهر (۱۹۹۲م). *دلائل الاعجاز فی القرآن*. تحقیق: محمد محمدشاکر. جده: مطبعة المدني.
- _____ (بی تا). *الرسالة الشافیة*. قاهره: دارالمعارف.

- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ق). *الصاحح*. محقق / مصحح: عطار. احمد عبد الغفور. بیروت: دار العلم للملایین.
- حمادی، جبیر صالح (۲۰۰۷ م). *التصویر الفنی فی القرآن الکریم*. قاهره: مؤسسه المختار.
- حمدان، نذیر (۱۳۹۳ ش). *پدیده زیباشناختی در قرآن کریم*. قم: مدرسه اسلامی هنر.
- الحموی، شهاب‌الدین أبو عبدالله یاقوت بن عبدالله الرومی (۱۴۱۴ ق). *معجم الأدیاء = إرشاد الأریب إلی معرفه الأدیب*. محقق: إحسان عباس. بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- الخالدي، صلاح عبدالفتاح (۲۰۱۶ م). *سید قطب الشہید الحی*. ترکیه: الدار الشامیة.
- الخولی، امین (۱۹۶۱ م). *مناهج تجدید فی النحو و البلاغۃ و التفسیر و الادب*. بیروت: دار المعرفه.
- دانشور، سیمین (۱۳۸۹ ش). *علم الجمال و جمال در ادب فارسی*. تهران: نشره قطره.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱ ش). *لغت‌نامه*. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- رجایی، حمید (۱۳۷۸ ش). «زیبایی و زیبایی‌شناسی». *مجله هنر دینی*. شماره ۱. ۵۵-۸۰.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم.
- رامیار، محمود (۱۳۸۴ ش). *تاریخ قرآن (رامیار)*. تهران: امیرکبیر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. مصحح: حسین احمد، مصطفی. بیروت: دار الكتاب العربی.
- السمعانی، أبوسعید عبدالکریم بن محمد (۱۹۶۲ م). *الأنساب*. تحقیق: بنی‌حیی. عبدالرحمن. حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیة.
- شاله، فلیسین (۱۳۴۷ ش). *شناخت زیبایی (استتیک)*. ترجمه: بامداد. علی‌اکبر. تهران: کتابخانه طهوری.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۴ ش). *المبدأ و المعاد*. تصحیح: آشتیانی. سید جلال‌الدین. تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰ ش). *اسرار الآیات*. مقدمه و تصحیح: خواجوی. محمد. تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- الصاوی جوینی، مصطفی (بی‌تا). *منہج الزمخشری فی تفسیر القرآن و بیان إعجازہ*. مصر: دارالمعارف.
- ضیف، شوقی (۱۳۹۶ ش). *تاریخ و تطور علوم بلاغت*. ترجمه: محمدرضا ترکی. تهران: سمت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۹ ق). *التبیان فی تفسیر القرآن*. مصحح: عاملی. احمد حبیب. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عرف‌پور، زینة (۱۳۹۵ ش). *تصویرپردازی هنری در قرآن کریم با تکیه بر سوره‌های دهر، مدثر، ق، مرسلات و مطففین*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
- فورست، لیلیان (۱۳۷۵ ش). *رمانتیسیم*. مترجم: مسعود جعفری‌جزی. تهران: نشر مرکز.
- قطب، سید (۱۴۲۵ ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دار الشروق.
- _____ (۲۰۰۲ م). *التصویر الفنی فی*

- القرآن. قاهره: دارالشروق.
- مهدوی دامغانی، احمد (۱۳۷۸ش). «بلاغت».
- دانشنامه جهان اسلام. جلد ۳. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- نعمتی، سید جواد؛ هاشم نژاد، حسین (۱۳۹۰ش). «زیبایی‌شناسی در فلسفه صدرالمتألهین». نشریه فلسفه. دوره ۳۹ شماره ۲. ۱۶۲-۱۳۷.
- مهدوی‌راد، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۶ش). علوم قرآنی (وحی، اعجاز، تحریف‌ناپذیری). تهران: سمت.
- میر، مستنصر (۱۳۸۷ش). ادبیات قرآن. مترجم: محمدحسن محمدی مظفر. تهران: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹ش). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: چاپ مهارت.
- الیافعی، أبو محمد عقیف‌الدین عبدالله بن أسعد بن علی بن سلیمان (۱۴۱۷ق). مرآة الجنان. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- محمد داود، محمد (۲۰۰۲م). الدلالة و الحركة. قاهره: دارغریب.
- مشفرف، مریم (۱۳۸۶ش). «نظم و ساختار در نظریه بلاغت جرجانی». پژوهشنامه علوم انسانی. شماره ۵۴. ۴۱۶-۴۰۳.
- القرآن. قاهره: دارالشروق.
- _____ (۱۹۸۳م). کتب و شخصیات. بی‌جا: دارالشروق.
- _____ (بی‌تا). مشاهد القیامة فی القرآن. بیروت: بی‌نا.
- _____ (۱۳۸۹ش). تصویرسازی هنری در قرآن. مترجم: ویسی. زاهد. سندج: آراس.
- لسانی فشارکی، محمدعلی، مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۴ش). سوره‌شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم). قم: نصاب.
- محمد قاسمی، حمید (۱۳۹۰ش). جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت- قاهره- لندن: دارالکتب العلمیة- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- محمد داود، محمد (۲۰۰۲م). الدلالة و الحركة. قاهره: دارغریب.
- مشفرف، مریم (۱۳۸۶ش). «نظم و ساختار در نظریه بلاغت جرجانی». پژوهشنامه علوم انسانی. شماره ۵۴. ۴۱۶-۴۰۳.
- Valerie Gonzales (2001). "Beauty &Islam". *I.B.Tauris & Co Ltd*. pp. 7-21.
- Thomas Munro (1986). "Aesthetics" *The World Book Encyclopedia*. Vol. 1, ed. A. Richard Harmet, et. al. Chicago: Merchandise Mart Plaza.